



عکس: ایران

اگر خاطرتان باشد گفتم که آن زمان جلساتی در بانک مرکزی، فراتر از دولت دهم تشکیل می شد و سرانجام از بین چند پیشنهاد موجود، مرکز مبادلات ارزی عملی شد. حتی شورای عالی بورس در اسفندماه سال ۱۳۹۰ مقررات مربوط به مبادله گواهی ارزی در بورس را تصویب کرد، ولی همان طور که در جلسات قبلی توضیح دادم، نامه سال ۱۳۹۱ رئیس کل بانک مرکزی به رئیس جمهور، ایشان را به سمتی برد که با احتیاط بیشتری با بازار ارز برخورد کند و در نهایت مصوبه شورای بورس به دلیل تردید بانک مرکزی عملی نشد.

● آیا طی این سال ها، به دلیل نوسانات ارز، مشکلی پیش آمد که نتوانید کالایی را به کشور وارد کنید؟ مانند بحث مرغ که در مقطعی، کشور با مشکل کمبود مواجه شد.

بحث مرغ مربوط به سال ۱۳۹۰ می شود. در آن ماجرا علاوه بر بحث ارز، برآوردها از میزان واردات و تولید نیز دخیل بود. اما بحث عمده، در این ماجرا موضوع ارز بود. البته دو اقدام خیلی خوب در سال های پایانی دولت آقای احمدی نژاد صورت گرفت که کمتر به آنها پرداخته شده است که یکی از سال ۹۰ و دیگری از سال ۹۱ شروع شد و آن راه اندازی کارگروه «توسعه بخش کشاورزی» و «کارگروه توسعه معدن» بود. در طرح توسعه کشاورزی، در سطح ملی و استان ها یک برنامه ریزی بسیار دقیقی برای افزایش ظرفیت تولید محصولات غذایی استراتژیک و به طور مشخص مواد پروتئینی به طور خاص مرغ صورت گرفت که خیلی ثمربخش شد و کشور از واردات مرغ بی نیاز شد.

● یعنی این اتفاق افتاد؟

بله. شما می توانید اقدام دقیق را از وزیر جهاد کشاورزی یا رئیس بانک کشاورزی و رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی وقت بگیرید؛ چون مصوبات مجلس، اعم از قانون بودجه و برنامه پنجم توسعه اجازه می دادند ما بتوانیم از محل صندوق توسعه به بخش کشاورزی وام ریالی بدهیم. در بخش کشاورزی، وام های ریالی بسیار مناسبی با محوریت بانک کشاورزی داده شد. این اقدام بسیار مناسبی بود که در سال ۱۳۹۱ توانست تا حدود زیادی ظرفیت کشور را به فعلیت برساند. البته طرح توسعه معدن هم تصویب شد. خاطرم هست، آقای احمدی نژاد در جلسات مقابله با تحریم تأکید داشت که ما باید از این موضع تدافعی مقابله با تحریم به موضع بالتر یعنی مقاوم تر کردن اقتصاد و بی اثر کردن تحریم ها برویم. دو طرح «توسعه کشاورزی» و «توسعه معدنی» هر دو مصوبه هیأت وزیران را داشتند و دو کارگروه به ریاست شخص رئیس جمهور با اختیار پیش بینی شده در اصل ۱۳۸ قانون اساسی را دولت شکل داد که از ظرفیت بخش کشاورزی و معدنی کشور برای کاهش وابستگی در حوزه هایی چون کالاهای اساسی، توسعه اشتغال، تنوع درآمدهای ارزی و کاهش تکانه پذیری اقتصاد ملی از همه ها و رخدادهای خارجی چون تحریم و کاهش قیمت نفت استفاده کنیم. طرح توسعه کشاورزی زودتر تصویب و شروع شد و نتیجه عملی آن به دست آمد و پایه افزایش تولید محصولاتی چون تخم مرغ و مرغ گذاشته شد.

● چه عاملی بعد از سال ۹۱ باعث شد قیمت دلار از ۱۸۰۰ تومان در اواخر این سال به حدود ۴۰۰۰ تومان برسد؟

به هر حال با ادامه مشکلاتی که در جلسات قبلی به شما توضیح دادم، افزایش نرخ ارز همچنان ادامه داشت. البته نرخ چهار هزار تومان در یک مقطع بسیار کوتاهی بود و اصلاح شد. میانگین نرخ ارز براساس گزارشی که بانک مرکزی منتشر کرد، در زمستان ۱۳۹۰، ۱۸۰۰ تومان بود. این رقم در بهار



دولت دهم و شخص

رئیس جمهور واقعیت

را پذیرفت و به تبع

آن، هزینه ها را نیز

پذیرفت که ما ذخایر

ارزی مان را حفظ

کنیم و لو اینکه به

برخی از کالاهای با

اولویت کمتر در مرکز

مبادله ارز ندهیم،

حتی به سمتی رفتیم

که بخشی از کالاهای

تحت عنوان «اولویت

دهم» قرار دادیم و

ثبت سفارش شان

را ممنوع کردیم. به

عبارتی تقاضای ارز را

کاهش دادیم. حالا

در این میان اتفاقات

زیادی روی داد. برای

مثال اگر خاطرتان

باشد گفتم که آن

زمان جلساتی در

بانک مرکزی، فراتر از

دولت دهم تشکیل

می شد و سرانجام از

بین چند پیشنهاد

موجود، مرکز مبادلات

ارزی عملی شد

## نرخ ارز مبادله ای از کجا آمد؟



برش

ما در سال ۱۳۹۱ مجبور بودیم وارد تحول در نظام ارزی شویم. در این سال ابتدا نرخ سومی تحت عنوان «نرخ مبادله ای» در کنار نرخ ارز مرجع و نرخ ارز بازار آزاد شکل گرفت، ولی کم کم به سمتی رفتیم که با حذف نرخ ارز مرجع به بازار دورنخی برگردیم. اما تک نرخی شدن در آن مقطع ممکن نبود. شما زمانی می توانید واحدسازی نرخ ارز را انجام دهید که بتوانید نرخ را در یک دامنه تعریف شده ای مدیریت کنید و این کار زمانی امکان پذیر است که بانک مرکزی شما بتواند در بازار ارز مداخله کند. اما بانک مرکزی که تحریم و ذخایرش مسدود است و در وصول، تبدیل و انتقال منابع ارزی مشکل دارد، با چه قدرتی می خواست این کار را انجام دهد؟!؟

و اعضای دولت کم اهمیت جلوه دادن تحریم بود و آنها به این نحوه مدیریت اقتصادی اعتراض داشتند. این بحثی که شما به عنوان «جام زهر» مطرح می کنید مربوط به سال ۱۳۸۹ نیست. موضوع از این قرار بود: «اگرچه در بحث ارز تا تابستان سال ۱۳۹۰ آشفتگی هایی داشتیم اما عموماً قابل کنترل بودند. از پاییز ۱۳۹۰ وقتی متوجه شدیم که غربی ها برای تحریم بانک مرکزی و تمدید خرید نفت ما برنامه دارند، فهمیدیم فضا، فضای متفاوتی خواهد شد.

ای کاش می شد شما به نوار برخی مذاکرات در ستاد تدابیر دسترسی داشتید و می دیدید که من به عنوان وزیر اقتصاد در جلسه ای با نگرانی می گویم: «می خواهند بانک مرکزی ما را تحریم کنند» اما معاون ارزی وقت بانک مرکزی که اتفاقاً فرد باتجربه ای هم بود و هم اکنون در دولت یازدهم پست دارد می گفت: «نه، مقررات بین المللی اجازه نمی دهد بانک های مرکزی تحریم شوند.»

یعنی حتی در بدنه کارشناسی خود دولت در مقابل پیش بینی برخی رخدادهای نظیر دیگری وجود داشت. طبیعی است وقتی شما اخبار دریافت می کنید، می خواهید آنها را منتقل کنید، اما از درون دولت صدای دیگری می آید و از طرفی جریانات سیاسی نیز به دلیل نزدیکی به انتخابات به دنبال بهره برداری هستند، کار دشوار می شود. به چند

دلیل تصمیم گرفته شد خدمت مقام رهبری رفته و گزارش داده شود. اول اینکه ایشان نیز بیشتر در جریان دغدغه ها قرار بگیرند، چرا که شرایط جدیدی در حال شکل گیری بود. در ضمن احساس می شد با دیدار ایشان، می توان به حمایت و اختیارات بیشتری رسید. در این جلسه ابتدا قرار نبود آقای احمدی نژاد هم بیایند، اما نمی دانم چه شد که ایشان نیز به همراه ما به بیت آمد. به همراه آقای احمدی نژاد، آقایان محمدرضا رحیمی، رستم قاسمی، بهمنی و غضنفری و افراد دیگر به نظرم خلیلیان، من و دیگران که دقیق یادم نیست خدمت ایشان رسیدیم.

● جلسه علنی نشد؟

نه، علنی نشد.

۹۱ حتی از ۱۸۰۰ تومان نیز پایین تر آمد. اما در تابستان همان سال به ۲۱۰۰ تومان افزایش یافت. پاییز ۹۱، ۳۶۰۰ تومان و زمستان این سال ۳۵۰۰ تومان بود. با راه اندازی مرکز مبادله، بازار ارز به ثبات نسبی رسید و حتی روند، کاهشی هم شد. البته این روند کاهش قیمتی، حتی در کاهش رشد قیمت کالاها و خدمات نیز آغاز شد.

● موضوعی که در آن برهه مطرح بود و دولت برای این مسأله خیلی تحت فشار قرار گرفت این بود که عده ای می گفتند: تیم اقتصادی دولت در مورد وضعیت اقتصادی کشور به رهبر معظم انقلاب نامه می نویسند و با سیاه نمایی وضعیت، قصد تکرار زهر جان و مسائل اینچنینی را دارند. من آن موقع یادم هست با توجه به اینکه دبیر اقتصادی روزنامه دولت روزنامه ایران بودم، برای انتشار و عدم انتشار برخی از اخبار خاص خیلی تحت فشار بودم، چرا که در آن برهه عده ای معتقد بودند دولت با انتشار برخی از تحلیل ها و اخبار قصد برهم زدن جامعه و اقتصاد را دارد. می گفتند دولتی ها می خواهند شرایط اقتصادی را بد جلوه بدهند و این بد بودن را به جامعه نیز القا کنند. آیا اصلاً نامه ای درباره وضعیت بد اقتصادی خدمت مقام معظم رهبری نوشتید؟ این مسائل چه قدر حقیقت داشت؟

خیر، من در خصوص نامه تیم اقتصادی نه چیزی نوشته و نه چیزی امضا کرده ام، اما یادم هست سال ۱۳۸۹ که تحریم ها شدت گرفته بود، جلسه ای با جمعی از چهره های مدیریتی و مؤثر در مجلس برگزار شد که عده ای از افراد به اصطلاح اصلی مجلس، در آنجا به من و آقای بهمنی تلویحاً گله کرده و گفتند: «قبلاً مرحوم نوربخش و دیگران می رفتند و داد و فریاد می کردند، شما چرا این کار را نمی کنید.»

● یعنی منظورشان به رهبری بود؟

بله، البته علناً این حرف را نمی زدند.

ولی می گفتند: «شما به عنوان وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی باید بگویید که این تحریم ها چه آثار بدی دارد.» آن موقع ادبیات رسانه ای رئیس

